

چالش‌ها و راهکارهای اقتصادی و امنیتی تحقق حقوق شهروندی در افغانستان

سید حسین حسینی^۱

چکیده

فقر از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی در هر کشور است؛ پدیده چندبعدی که با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و موقعیت زمانی و مکانی هر کشور، شامل ناکامی در رضایت‌مندی بر مبنای نیاز و کمبود دستیابی به منابع، تحصیلات، مهارت، سلامتی، تغذیه، مسکن و امکانات بهداشتی می‌شود که آسیب‌پذیری اجتماعی خشونت و کمبود آزادی را در پی دارد. جنگ از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی است. در اثر جنگ، بسیاری از حقوق شهروندی افراد نقض و پایمال می‌شود و افغانستان سال‌ها است که با این دو چالش اقتصادی و امنیتی مواجه است که در نتیجه، حقوق شهروند و انسانی بسیاری از مردم، نقض شده است. این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای از نوع توصیفی - تحلیلی انجام شده، درصدد پاسخ به این سؤال تنظیم شده است که چالش‌های اقتصادی و امنیتی فراروی تحقق حقوق شهروندی در افغانستان و راهکارهای تحقق حقوق شهروندی در این کشور چیست؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از بزرگ‌ترین چالش‌های ناقض حقوق شهروندی جامعه افغانستان، مشکلات امنیتی است که زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات دیگر از جمله مشکلات اقتصادی شده است. غلبه بر این چالش‌ها با عملیاتی کردن راهکارهای تضمین حقوق مردم امکان‌پذیر است.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، افغانستان، جنگ، چالش‌های اقتصادی، چالش‌های امنیتی

۱. دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، کابل، افغانستان.

مقدمه

قانون اساسی افغانستان رشد تولید، توسعه صنایع، ارتقای سطح زندگی شهروندان، حمایت از فعالیت‌های پیشه‌وران، توسعه کشاورزی و دام‌پروری، بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و معیشتی دهقانان و مالداران، اسکان و بهبود زندگی کوچیان و تأمین مسکن را از وظایف دولت تلقی می‌کند. (قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲: مواد ۱۳ و ۱۴) افغانستان برای سهم کردن دولت‌ها و شرکت‌های غیردولتی در بازسازی کشور، قانون سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی و خارجی را به تصویب رسانده است که بر اساس آن، هرگونه فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌ها و دولت‌های خارجی در افغانستان مجاز شمرده شده و بر مشارکت آن‌ها تأکید شده است. افغانستان با توجه به پذیرش اقتصاد بازار آزاد، به منظور بهبود وضعیت تجارت و اقتصاد خود و با اصلاح قوانین تجاری در سال ۲۰۰۴ به عنوان عضو ناظر و در سال ۲۰۱۴ به طور رسمی به عضویت سازمان جهانی تجارت نایل آمد. (دانش، ۱۳۹۱: ۳۲۸ و ۳۳۴ و دهقان، ۱۳۹۴: ۲۶۸)

جامعه افغانستان که سال‌های متمادی با جنگ و ناامنی دست و پنجه نرم می‌کند، از امنیت فردی و اجتماعی در این کشور برخوردار نبوده است. وجود ناامنی خسارت زیادی بر پیکر جامعه و مردم وارد ساخته است، البته علت‌های مختلف در نقض قواعد حقوق مردم دخیل بوده و ناامنی هم به نوبه خود تأثیر قابل مشاهده‌ای دارد که خود از بزرگ‌ترین چالش‌ها است. همین چالش‌های امنیتی، زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات دیگر شده و حقوق شهروندی را با مشکل مواجه کرد است؛ از جمله رعایت نکردن حقوق یکدیگر، نقض قوانین ملی و بین‌المللی، حمل سلاح غیرقانونی، قاچاق مواد مخدر، سرقت‌های مختلف و غیره که هر کدام عواقب ناگواری برای کشور و ملت دارد.

در هر جامعه و کشوری مشکلات و چالش‌هایی در جهت تحقق حقوق شهروندی وجود دارد. افغانستان نیز با توجه به شرایط سیاسی و موقعیت استراتژیک آن از نظر اقتصادی، سیاسی، امنیتی، با چالش‌های اساسی روبه‌رو است. این چالش‌ها تقریباً



در تمام ولایت‌های افغانستان وجود دارد. لذا ما در صدد این هستیم که این چالش‌ها را در کل کشور مورد کنکاش قرار دهیم تا به یک راهکار مناسب برای حل چالش‌های موجود دست بیابیم. سؤال اصلی این پژوهش این است که چالش‌های اقتصادی و امنیتی فراروی تحقق حقوق شهروندی در افغانستان چیست و چه راهکارهای تحقق بهتر حقوق شهروندی در این کشور وجود دارد؟

به نظر می‌رسد ایجاد زمینه برای بخش خصوصی به‌عنوان سیاست‌گذار و تنظیم‌کننده اقتصادی، تصویب قوانین و مقررات برای مشارکت فعال بخش خصوصی در اقتصاد کشور، سیاست‌گذاری شفاف تجاری، پشتیبانی از صنایع داخلی، گسترش همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، تصویب سرمایه‌گذاری در عرصه توسعه زیربنایی و منابع طبیعی، تشویق سرمایه‌گذاران خارجی دارای توانایی لازم، حذف ساختارهای موازی اقتصادی و ادغام آن‌ها، تمرکززدایی در فرآیند تصمیم‌گیری اقتصادی، (دهقان، ۱۳۹۴: ۲۷۴) گسترش بازار سرمایه، توزیع مناسب درآمد، تأمین منافع مصرف‌کنندگان با گسترش مشارکت‌پذیری و نظارت شهروندی، ایجاد محیطی امن و با ثبات به منظور سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، از جمله مواردی است که حاکمیت افغانستان برای رفع چالش‌ها باید به آن‌ها توجه کند تا زمینه سرمایه به سود توسعه عمومی به گردش درآید.

۱. چالش‌های اقتصادی عدم تحقق حقوق شهروندی در افغانستان

فقر اقتصادی، پایین بودن درآمد سرانه و ناکافی بودن درآمدهای دولت برای تأمین هزینه‌های عمومی، از جمله چالش‌های مهم حقوق شهروندی در افغانستان به شمار می‌آید. دولت در بُعد حقوق اجتماعی و فرهنگی، در برابر مردم وظایف اثباتی دارد؛ اما وابستگی دولت به کمک‌های خارجی و نبود درآمد کافی، دولت را برای ایفای وظایف اجتماعی و فرهنگی‌اش دچار مشکل کرده است.

اندیشه بازار آزاد و خصوصی‌سازی اقتصادی در افغانستان به اختصاصی‌سازی اموال عمومی به سود گروه‌های با نفوذ سیاسی و اجتماعی انجامیده و انحصار

خصوصی به جای انحصار دولتی نشسته است. در این وضعیت، نه تنها از بار مالی دولت کاسته نمی شود و منابع عمومی در اختیار همگان قرار نمی گیرد، بلکه از افزایش و بهره‌وری منابع مادی و انسانی نیز خبری نیست. رکود کارخانه‌های صنعتی، عدم مکانیزه شدن زراعت یا کشاورزی و مالداری، عدم نظارت کافی بر مصرف سالم بودجه ملی و جهانی، وجود مافیاهای دولتی و خصوصی در صدور حق امتیازهای اقتصادی، مجوزهای واردات، امور گمرکی، اسناد و مجوزهای بانکی، مزایده و مناقصه‌های دولتی، معافیت‌های مالیاتی، فقدان حساب‌دهی‌های مالی شفاف، فقدان قوانین و مقررات شفاف، فعالیت‌های موازی وزارت خانه‌های تجارت، اقتصاد، مالیه و معادن، عدم توازن میان صادرات و واردات، عدم حمایت از صنایع از سوی نهادهای ذی صلاح از چالش‌های اساسی است که اقتصاد کشور را آسیب پذیر کرده است. (ر.ک. سپنتا، ۲۵۴:۱۳۸۶ و فاروقی، ۱۳۷۸: ۱۱ و ۴۴)

۱-۱. فقر و پیامدهای آن

مهم‌ترین مانع توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه، فقر است. فقر باعث به وجود آمدن چرخه‌ای می شود که از آن به عنوان دور باطل فقر یاد می کنند. این چرخه از آنجا ناشی می شود که کشورهای در حال توسعه بهره‌وری و کارایی سرمایه، ناکامل بودن بازار، عقب ماندگی اقتصادی و توسعه نیافتگی و بهره‌وری کم در درآمد واقعی پیدا می کند. فقر با بی امنیتی و در نهایت با عدم حاکمیت قانون رابطه نزدیکی دارد. به خصوص از این جهت که فقر زمینه ساز نارضایتی مردم بوده و آن‌ها را وادار می کند تا بیشتر از حفظ موجود به دگرگونی آن تمایل پیدا کنند یا اینکه مخالفین حکومت فرصت خوبی خواهند داشت تا از نارضایتی مردم برای به قدرت رسیدن خود استفاده کنند؛ اما اینکه معیار فقر در یک جامعه چیست، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. افراد، خانواده‌ها و گروه‌ها را هنگامی می توان فقیر نامید که فاقد امکانات لازم برای دستیابی به انواع غذاها، مشارکت در فعالیت‌ها و برخورداری از شرایط و مطلوبیت‌های مرسوم زندگی در جوامع خودشان (حداقل در سطح گسترده این گونه شناخته شده‌اند) باشد و امکانات آن‌ها از سطح متوسط امکانات فرد یا خانواده



پایین‌تر است که عملاً از الگوها، رسوم و فعالیت‌های زندگی معمولی محروم شده‌اند.

به‌طور عموم اسباب فقر اقتصادی کشورها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف: کمبود منابع و امکانات اقتصادی به تناسب نفوس (یا عامل حقیقی فقر)؛

ب: عدم موجودیت برنامه‌ریزی فعالیت‌های اقتصادی، استفاده نادرست از منابع و

عدم توازن در فعالیت‌های اقتصادی (یا عامل غیر حقیقی فقر)؛

ج: وقوع جنگ‌ها به‌ویژه جنگ‌های طولانی و وقوع حوادث طبیعی چون زلزله،

سیل، خشک‌سالی (یا عامل عارضی یا غیر مزمن فقر).

این عوامل در مواقع مختلف ضربات بزرگی بر پیکر اقتصادی کشورها وارد می‌آورد؛

اما فقر بادوام را بیار نیآورده یا روی دست گرفتن برنامه‌های بازسازی و همکاری میان

ملت‌ها می‌توان به حل آن دست یافت.

مشکل نخست می‌تواند در اثر اتخاذ تدابیر و روی دست گرفتن اصول سالم

اقتصادی تا حدود زیادی برطرف شود. در حال حاضر کشورهای زیادی است که

بیشتر از پنجاه درصد ضروریات خویش را از خارج وارد می‌کند؛ اما با فقر اقتصادی

مواجه نیستند. از جانبی نیروی کار، خود انسان است، در ممالک دارای منابع محدود

اقتصادی نیز تراکم جمعیت مفهوم کثرت نیروی کار را دارد و این نیرو می‌تواند در تمام

جهان به فعالیت‌های اقتصادی بپردازد. کشورهای زیادی است که اتباع آن‌ها پس از

مدتی کار و جمع‌آوری سرمایه در دیگر کشورها، به وطن برگشته و سرمایه‌گذاری

کرده‌اند.

اما مشکل عمده همانا مشکل دوم است. بیش از پنجاه درصد کشورهای فقرزده در

جهان امروز بر اثر نداشتن نظام همه‌گیر و مؤثر فعالیت‌های اقتصادی نتوانسته‌اند با

پدیده فقر مبارزه مؤثر داشته باشد. اگر ویژگی‌های فقر را در اجتماع انسانی ارزیابی

نماییم، با اتفاق خواهیم پذیرفت که مشخصه نخست و بزرگ آن پایین بودن سطح

عاید سرانه افراد است که در بسیاری از کشورهای فقیر توجهی برای بالا بردن آن

صورت نمی‌گیرد.



طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر «هرکس حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای بهداشت و سلامت خود و خانواده‌اش برخوردار باشد».^۱ طبق میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی «دولت‌ها طرف میثاق حاضر، حق هر کس را نسبت به داشتن سطح زندگی مناسب برای خود و خانواده‌اش به رسمیت می‌شناسد».^۲ بنا بر کنوانسیون حقوق کودک «دولت‌های طرف، حق هر کودک را به برخورداری از سطح مناسب زندگی برای توسعه جسمی، ذهنی، روحی، اخلاقی و اجتماعی به رسمیت می‌شناسد».^۳ نیازهای اساسی مثل خوراک، پوشاک و مسکن است، ولی یک سطح زندگی مناسب میزان بیشتری را می‌طلبد. هر چند به صورت عام نمی‌توان گفت که چه میزان بیشتر از این موارد لازم است؛ اما این موضوع به شرایط فرهنگی جامعه مورد نظر بستگی دارد. به بیان اقتصادی صرف، یک سطح مناسب زندگی متضمن زندگی کردن در بالای خط فقر در جامعه مربوطه است که طبق معیار بانک جهانی از دو عنصر تشکیل شده است:

۱. هزینه لازم برای خرید حداقل سطح تغذیه و سایر نیازهای اساسی و مبالغی اضافه بر آن که نشانگر هزینه مشارکت در زندگی روزمره در جامعه بوده و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است.

۲. لوازمی که شخص برای مصرف خود و خانواده‌اش تهیه می‌کند، نیز باید مورد لحاظ قرار گیرد.

از آنجاکه این نوع نیازها اغلب خریداری نمی‌شوند، لذا در محاسبات پولی مورد محاسبه قرار نمی‌گیرد.

افغانستان با میزان ۲۴ درصد فقر یکی از فقیرترین کشورهای جهان است. ۲۰ درصد دیگر افغان‌ها تقریباً زیر خط فقر زندگی می‌کنند که این خود نشان دهنده میزان بالای آسیب‌پذیری است. ساختار بدیهی و آشکار فقر، حاکمیت ضعیف،

1 - Universal Declaration of Human Rights, UN, G. A. Res. No 217 A (III) on 10 Dec. 1948, Article 1.

2 - International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, UN, G. A. Res. No 2200A (XXI) of 16 Dec. 1966, Article 11.

3 - Convention on the Elimination the Rights of the child, UN, G. A. Res. 44/25 of 20 Nov. 1989, Article 27.



تبعیض و منزوی ساختن، همه در سطح هشدار دهنده فقر که زندگی میلیون‌ها افغان را ناتوان و ضعیف می‌سازد، سهم دارد. موانعی چون فقر، کشتار غیرنظامیان، و خشونت علیه زنان، باعث شده که حقوق شهروندی در افغانستان مورد چالش قرار بگیرد و مانع تحقق آن شود. کشور افغانستان باید تلاش کند تا حقوق شهروندی به خصوص در ارتباط با توسعه اجتماعی و اقتصادی به صورت درست در نظر گرفته شود تا با انعکاس حقوق به مثابه یک وسیله مناسب برای تشخیص نیازهای مردم انجام شود.

به طور کلی افغانستان در کنار سایر معضلات سیاسی، نظامی و امنیتی به مشکل فقر همگانی دست‌به‌گریبان است که کاهش و محو آن، طرح سیاست‌های مناسب و مؤثر ملی و همکاری جامعه جهانی را ایجاب می‌کند.

۲-۱. مواد مخدر و پیامدهای آن

تولید و قاچاق مواد مخدر برای ثبات و امنیت کشور، معضل آفرین بوده است. افغانستان کشوری است که در صدر کشورهای تولیدکننده مواد مخدر به شمار می‌رود و شاید هم عایدی که از این بابت برای قاچاق بران مواد مخدر به دست می‌آید، خیلی بیشتر از تجارت نفت باشد؛ اما مسئله اساسی این است که آیا مواد مخدر از جمله عواملی است که برای ثبات سیاسی افغانستان و حاکمیت قانون، بحران آفرین بوده است؟

طبق بررسی اداره مبارزه با جرائم مواد مخدر سازمان ملل و وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان، دو میلیون از شهروندان افغان، مشغول کشت غیرقانونی مواد مخدر هستند، ولی کمتر از ۲۰٪ عواید آن به جیب کشاورزان افغان می‌رود. کشت کوکنار در سال‌های اخیر به صورت قابل ملاحظه‌ای نه تنها در مناطق شرق و جنوب شرق، بلکه در سراسر ولایات افغانستان رواج همگانی یافته است. رویکرد فراگیر کشاورزان به کشت خشخاش، ریشه در چند عامل اساسی دارد.

الف: ابهام در سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولت سابق و جامعه بین‌المللی در امر مبارزه استراتژیک با این پدیده؛



ب: آلوده بودن لایه‌های نیرومندی از شرکای سیاسی به تجارت این مواد و بهره‌برداری بیش‌ازحد از این زمینه اقتصادی؛

ج: فقدان یک برنامه جایگزین و مؤثر که بتواند رضایت و انگیزه کشاورزان را نسبت به محصولات سودآور، جلب نماید.

در افغانستان راه‌ها و روش‌هایی برای جلوگیری از مواد مخدر رایج بوده و مؤسساتی که در این راستا کار می‌کنند، برنامه‌های مشخصی را در این رابطه وضع می‌کنند و بر اساس یک برنامه بلندمدت چندساله، درصدد ریشه‌کن نمودن پدیده مواد مخدر هستند، ولی برای پیشبرد این پروسه برخورد قاطع لازم است. اگر برخورد قاطع و جدی با این مسئله نشود، نتیجه‌ای نخواهد داشت و عدم برخورد جدی به معنای مبارزه نکردن با این پدیده در افغانستان خواهد بود.

برای متوقف ساختن جریان تولید مواد مخدر در افغانستان، سه عامل را باید مؤثر دانست:

اول تهیه کشت جایگزین یا معیشت بدیل، دوم اعمال فشار بر کشاورزان کوکنار و سوم از میان برداشتن باندهای بزرگ قاچاق.

اگر دولت افغانستان بتواند راه‌های قاچاق مواد مخدر را مسدود نماید، بدون شک سطح کشت آن پایین خواهد آمد و قاچاقچیان مواد مخدر هم از اینکه بتوانند در افغانستان به فعالیت‌های خویش ادامه بدهند، ناامید خواهند شد.

۲. چالش‌های امنیتی عدم تحقق حقوق شهروندی در افغانستان

جنگ یکی از عمده‌ترین عامل نقض حقوق بشر بوده و باعث نقض حقوق شهروندی از جمله از بین رفتن انسان‌ها، سلب آرامش و آسایش روحی - روانی افراد، گسترش فقر و بیکاری، افزایش خشونت‌های خانوادگی، برجسته شدن تبعیض‌ها، افزایش بی‌سوادی، افزایش مهاجرت‌ها، برهم خوردن ساختارهای منظم اجتماعی، جراحت و معلولیت‌های جنگی و از دست دادن دست و پا و مانند آن‌ها، خرابی و ویرانی سرزمین‌های آباد، خسارت‌های جانی و از دست دادن بستگان و آشنایان، خسارت‌های مالی، ذلت و خواری و تحقیر شخصیت‌ها و انسان‌ها، افزایش سختی‌ها و دشواری‌ها



در تهیه غذا و آب و امنیت و رفاه، کمبود محصولات کشاورزی و دامی به دلیل آسیب‌های جدی به زمین‌ها و دام و افزایش گرسنگی و خطر قحطی می‌شود. جامعه افغانستان که سال‌های متمادی با جنگ و ناامنی دست‌وپنجه نرم می‌کند، هر لحظه شاهد کشته شدن یا زخمی شدن مردم و افراد جامعه بوده است. وجود ناامنی خسارت زیادی را بر پیکر جامعه و مردم وارد ساخته است. علل مختلف در نقض قواعد حقوق شهروندی دخیل بوده و ناامنی هم به نوبه خود تأثیر قابل مشاهده‌ای را داشته که خود از بزرگ‌ترین چالش‌هایی است که جامعه را آزار می‌دهد. همین مشکلات امنیتی در نوع خود، زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات دیگر شده است. از جمله اقتصاد، فرهنگ و... نهاد حقوق شهروندی را با مشکل مواجه ساخته است، از جمله رعایت نکردن حقوق یکدیگر، نقض قوانین ملی و بین‌المللی، حمل سلاح غیرقانونی، قاچاق مواد مخدر، سرقت‌های مختلف و غیره که عواقب ناهمگونی است که جامعه و مردم خواهان آن نیست.

۱-۲. افزایش ناامنی‌ها

یک قسمت زیادی از افزایش عمومی در تلفات غیرنظامی، ناشی از حملات کور به غیر نظامیان است. قربانیان این تاکتیک‌ها شامل دکترا، معلمان، شاگردان، بزرگان قومی، کارمندان حکومت و کارکنانی است که در کارهای ساختمانی عام‌المنفعه مشغول است. شواهد اساسی وجود دارد که تاکتیک‌هایی از سوی شورشیان به کار برده می‌شود که به مقصد تبلیغات سیستماتیک خشونت و ارباب صورت می‌گیرد. همچنان تعداد بالا و رو به افزایش اختطاف (آدم‌ربایی) گزارش شده و تهدیدات در برابر افرادی که با حکومت یا جامعه جهانی ارتباط دارند، وجود دارد. گزارش‌هایی مبنی بر تهدید علیه پرسنل و بسته کردن اجباری مراکز و خدمات در بخش صحت و معارف که صدها هزار مردم غیرنظامی، به خصوص زنان و کودکان را متأثر می‌سازد، وجود داشته است. تبلیغات ارباب، مردم غیرنظامی را غیر از آن‌هایی که مشخصاً مورد هدف قرار می‌گیرند، شدیداً متأثر می‌سازد و ترس و ناامنی را به طور گسترده به میان می‌آورد.

۲-۲. تداوم حضور داعش

می‌توان سوءقصد‌ها را به دو بخش تقسیم نمود: بین‌المللی گراها و محلی‌ها. دسته اول توسط گروه‌های دارای ملیت‌های مختلف در خارج از کشور رخ داده است (در نیویورک، واشنگتن، مادرید و نیز در موارد سوءقصد‌های شکست‌خورده مثل لوس آنجلس، پاریس و استراسبورگ). اگر ائتلاف بین‌المللی نسبت به کرامت انسانی، مصالح ملی، تمامیت ارضی، استقلال ملی، ایجاد جامعه مدنی و تحقق نظام مردم‌سالاری در افغانستان صادقانه علاقه‌مند و عملاً وفادار هستند، باید برای مردم افغانستان و جهان بشریت به صورت عینی و عملی به اثبات برسانند و اشتباه خود را در افغانستان بیش از این تکرار نکنند. اگر زمامداران نیاز به یک جامعه مدنی، ملی مبتنی بر حاکمیت قانون برای یک افغانستان نوین و پیشتاز دارند، ضرورت است تا این نظام سیاسی - اجتماعی از تهداب جدید بر اساس خواست و اراده مردم و حکم قانون‌مندی زمان ساخته شود تا بر اساس یک استراتژی سازنده و برنامه کاری علمی و منطقی، چنین نظام مدنی و مدرن بر مبنای قانون اساسی و نظارت مردم از پایین استوار و پایدار باشد.

امروزه امنیت در برخی مناطق افغانستان به دلیل فعالیت‌های مسلحانه و تروریستی متزلزل است. داعش با استفاده از استراتژی جنگ چریکی که در افغانستان سابقه کهن دارد، می‌کوشد امنیت را از مردم سلب کنند. (صداقت، ۱۳۹۱: ۱۱۳)

افغانستان نیاز به یک برنامه عاقلانه و عادلانه ملی، بر مبنای خواست انسانی، ملی، اراده عادلانه و آرمان‌های والای مردم دارد که سرنوشت آینده‌شان توسط خودشان تثبیت و تعیین شوند.^۱

۲-۳. نقض حقوق بشر توسط نیروهای ناتو

سال ۲۰۱۱ با نقض حقوق بشر در افغانستان توسط نیروهای ناتو شروع شد و این روند تا سال‌های متمادی ادامه داشت. در این سال‌ها ارمان‌ها حضور ناتو و نیروهای آیساف به فرماندهی آمریکا در افغانستان چیزی جز ویرانی و کشتار نبود. بازداشت



و شکنجه افراد غیرنظامی و آزار و اذیت مردم توسط سربازان ناتو و بمب باران مناطق مسکونی، مسائلی است که حقوق اولیه و طبیعی انسان را به شدت نقض می‌کند. اغلب نهادهای بین‌المللی همانند سازمان دیدبان حقوق بشر علی‌رغم وابستگی به غرب، تعداد زیاد تلفات غیرنظامیان افغانستانی را تأیید کرده و خواستار حفاظت از میان غیرنظامیان در بین عملیات نظامی شده‌اند. آنان از وضعیت حقوق بشر در افغانستان ابراز نگرانی کرده و ناتورا به عدم رعایت موازین بین‌المللی، به خصوص بدرفتاری و شکنجه زندانیان متهم کرده‌اند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۰: ۲۸۹)

۴-۲. نقض اصول و قواعد حقوق بشردوستانه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه که رفتار دولت‌ها در به‌کارگیری سلاح‌ها و ابزار جنگی و حمایت از افرادی که در جنگ مشارکت ندارند یا دیگر قادر به جنگیدن نیستند (غیرنظامی، اسیران جنگی، مجروحان و محدود کرده است، نقشی بسیار مهم در حمایت از افراد دارد. هدف حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر حمایت از کرامت و حیثیت انسانی است. البته با این تفاوت که حقوق بین‌الملل بشردوستانه تنها در زمان مخاصمات مسلحانه قابل اعمال است، حال آنکه حقوق بشر به‌طور مستمر و مداوم در هر زمان و شرایطی قابلیت اعمال دارد. با پذیرش اینکه حقوق بشر در هر وضعیت و شرایطی قابل اعمال است، می‌توان استدلال برخی از دولت‌ها که ادعا می‌کنند به دلیل نپیوستن به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو یا پروتکل‌های آن، الزامی به رعایت حقوق بشردوستانه ندارند را رد نمود و در پاسخ به ادعاهای آن‌ها باید اظهار داشت که بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه از حقوق بشر نشئت گرفته و ماهیتی ذاتی دارد؛ مانند سلب خودسرانه حیات. بنابراین در برابر همه دولت‌ها قابلیت استناد دارند و اما مهم‌تر اینکه حقوق بشر قابلیت اعمال خود را در وضعیت مخاصمات مسلحانه نیز از دست نمی‌دهد و حتی برخی از حق‌های بشری (به‌طور مثال منع شکنجه، اعدام‌های خودسرانه، برابری در برابر قانون، سلب خودسرانه حیات) به دلیل ماهیتی که دارد، در هیچ شرایطی نباید نقض شود. نقض حقوق شهروندی زمانی رخ می‌دهد که توسط دولت یا نهاد غیردولتی

برخی از افراد مورد سوءاستفاده قرار بگیرند، یا حقوق اساسی (از جمله حقوق مدنی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) آن‌ها انکار و نادیده گرفته شود، یا هنگامی که هر دولت یا نهاد غیردولتی بخشی از پیمان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یا دیگر حقوق بین‌المللی و حقوق بشردوستانه را در مورد برخی از افراد رعایت نکند. جنگ‌ها و جنایات جنگی، نسل‌کشی، نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه از جدی‌ترین موارد نقض حقوق بشر و جنایت علیه بشریت به شمار می‌رود. افشاگری و آگاه ساختن جهان و اعتراض به رفتارهای غیرانسانی اغلب منجر به درخواست برای کمک و گاهی بهبود شرایط می‌شود. شورای امنیت سازمان ملل متحد برای حفظ صلح کار می‌کند و سایر ملل و معاهدات (ناتو) در هنگام لزوم برای حفاظت از حقوق بشر مداخله می‌کنند.

تاریخ افغانستان گویای جنگ‌های متعدد داخلی میان قبایل، اقوام و گروه‌های ذی‌نفع در این کشور و جنگ‌های خارجی با کشورهای همسایه است. در اثر جنگ‌های افغانستان بسیاری از حقوق بشری افراد مورد تجاوز و نقض قرار گرفته است. از جمله حقوق بشری که در اثر جنگ‌ها در این کشور نقض شده، حق حیات، حق آزادی بیان، حق تشکیل اجتماعات، حق شرکت در پروسه‌های سیاسی و ملی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مناصب سیاسی، حق مالکیت، حق زندگی آبرومندانه و ... را می‌توان نام برد.

راهکارهای پیشنهادی برای تحقق حقوق شهروندی در افغانستان

به منظور تأمین بهتر حقوق بشر در افغانستان پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

۱. استفاده از نقش روشنفکران و طبقهٔ منور جامعه در امر درک و تحلیل مسائل حقوق بشر؛
۲. ایجاد همبستگی و ارتباط ناگسستی دولت با مردم از طریق تفاهم؛
۳. برگزاری کارگاه‌ها در مورد مطابقت حقوق اساسی اتباع در قوانین داخلی و میثاق‌های بین‌المللی؛



۴. برگزاری کارگاه‌ها با نمایندگان ارگان‌های پلیسی، سارنوالی‌ها و محاکم به منظور جلوگیری از نقض حقوق بشری؛
 ۵. راه‌اندازی تبلیغات حقوقی از طریق نشریات، میزگردهای تلویزیونی و سایر رسانه‌های گروهی در مورد افشای موارد تخلفی از حقوق بشر؛
 ۶. وضع قوانین جدید و تعدیل برخی از قوانین موجود؛
 ۷. جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی؛
 ۸. ایجاد دیوان عدالت اداری- برای رسیدگی به موارد نقض حقوق و آزادی‌های اساسی افراد از طرف کارکنان و موظفین خدمات عامه یا خود ادارات و نهادهای دولتی و رسیدگی مؤثر به آن‌ها؛
 ۹. بالا بردن سطح دانش و افکار عامه نسبت به حقوق و امتیازات اجتماعی و فردی شهروندان به خصوص جایگاه و موقعیت حقوقی زنان در روابط خانوادگی و اجتماعی؛
 ۱۰. ایجاد راهکارهای مؤثر برای مبارزه با حاکمیت عرف و عنعنات خرافی که حقوق بشر را متضرر ساخته است؛
 ۱۱. بالا بردن میزان آگاهی و دانش مسلکی پولیس و نیروهای امنیتی در زمینه آموزش معیارهای حقوق بشر جهت تقویت روحیه مسؤلیت‌پذیری و احترام به حقوق بشر؛
 ۱۲. برجسته شدن نقش مهم و مثبت نهادهای مدنی و غیردولتی برای آموزش و آگاهی دادن جمعی در امر پیشگیری از فساد؛
 ۱۳. تصویب قوانین و مقررات برای مشارکت فعال بخش خصوصی در اقتصاد کشور؛
 ۱۴. پشتیبانی از صنایع داخلی؛
 ۱۵. مسدود کردن راه‌های قاچاق مواد مخدر برای پایین آمدن سطح کشت آن؛
- این راهکارها به تنهایی کارآمد نخواهد بود؛ اما در کنار دیگر راهکارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، یکی از اجزای مؤثر و اصلی تضمین حقوق مردم است که به برون رفتن از این چالش‌ها کمک می‌کند. نقطه ثقل و تمرکز راهکارهای حقوقی، قانونی کردن رفتار تمامی نهادهای دولتی و غیردولتی و افراد است؛ زیرا حاکمیت قانون باید در روابط پیچیده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نهادینه شود.

نتیجه‌گیری

در یک بررسی کلی می‌توان به این نتیجه رسید که بحران امنیت در افغانستان دو بعد دارد. بعد داخلی و بعد خارجی.

در بعد داخلی فقدان ساختارهای مناسب برای حکمرانی معیاری از ویژگی‌های بعد داخلی بحران امنیت در افغانستان است. کشت و قاچاق مواد مخدر یکی دیگر از عواملی است که به استمرار ناامنی کمک کرده است. غیرنظامیان در حملات و جنگ‌های داخلی متحمل جراحات، تخریب ملکیت، تلفات معیشتی، بی‌جا شدن و قطع دسترسی به معارف، مراقبت صحی و دیگر خدمات اولیه شدند. مثلاً بعضی از افراد غیرنظامی در نتیجه تبادل آتش یا هم‌در اثر مواد منفجره از بین رفته‌اند. اکثر تلفات غیرنظامی در جنوب کشور رخ داده؛ اما از مناطق جنوب شرقی، شرق، مرکزی و غرب کشور نیز تلفات زیادی گزارش شده است.

در بعد خارجی چالش‌های امنیتی که امروز دامن‌گیر افغانستان شده است، بیشتر زاده افکار جامعه جهانی و نبود یک استراتژی مشخص از سوی آن‌ها است. وجود کشمکش‌های غیررسمی بین افغانستان و پاکستان در موضوع خط دیورند، از موارد دیگری است که تمامی این‌ها دست به دست هم داده و سبب بحران امنیت در افغانستان شده است.

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها

۱. دانش، سرور، (۱۳۹۱)، *حقوق اساسی*، کابل: انتشارات دانشگاه ابن سینا.
۲. صداقت، قاسم علی، (۱۳۹۱)، *راهکارهای تضمین حقوق شهروندی در فقه اسلامی و قوانین افغانستان*، قم: نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
۳. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، *حقوق بین الملل عمومی*، تهران: گنج دانش.

ب) مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها

۴. دهقان، محمدصادق، (۱۳۹۴)، *دولت صالح یا صلاحیت دولت در افغانستان*، رساله دکتری حقوق بین الملل، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۵. رنگین داد فر، سپینتا، (۱۳۸۶)، «*دموکراسی سازی در افغانستان*»، سراج، سال چهاردهم، تابستان، ش ۲۸.
۶. روشن فکر، پریسا، (۱۳۹۱)، «*کارآمدی اقدامات متقابل فردی و جمعی برای الزام دولت‌ها به ایفای تعهدات حقوق بشری اتباعشان*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۷. فاروقی، حمیدالله و داوود میر، (۱۳۸۷)، «*افغانستان و الزامات اقتصاد بازار*»، سراج، سال پانزدهم، زمستان، شماره ۳۱ و ۳۲.

ج) قوانین ملی و اسناد بین المللی

۸. اعلامیه کنفرانس لندن برای افغانستان
۹. *قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان*، منتشره جریده رسمی، شماره ۸۱۸، سال ۱۳۸۲.
۱۰. *قانون مدنی افغانستان*، منتشره جریده رسمی، شماره ۳۵۳، سال ۱۳۵۵.
۱۱. کنوانسیون ژنو (۱۹۴۹)



د) منابع انگلیسی

12. www.fa.tradingeconomics.com/afghanistan/indicators at 2016/06/17.
13. Universal Declaration of Human Rights, UN, G. A. Res. No 217 A (III) on 10Dec. 1948, Article 1.
14. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, UN, G. A. Res. No 2200A (XXI) of 16 Dec. 1966, Article 11.
15. Convention on the Elimination the Rights of the child, UN, G. A., Res. 44/25 of 20 Nov. 1989, Article 27.
16. <http://ensijam.com/viewpoints>
17. [www. Mashal. Org/hom/main/maqalaat. Php](http://www.Mashal.Org/hom/main/maqalaat.Php) at 2017/02/20.
18. [http:// www.kabirtabish.blogfa.com/post-asp57](http://www.kabirtabish.blogfa.com/post-asp57)

۱۰۲



بهار و تابستان ۱۴۰۲



شماره هجدهم



سال نهم



دوفصلنامه مطالعات حقوق اسلامی

